

نوسانات بازار و هزینه‌های اداری را چهار چالش اصلی بورسی شدن استارت‌آپ‌ها می‌داند. او توضیح می‌دهد که ارزش‌گذاری سنتی بر پایه دارایی‌های فیزیکی طراحی شده، در حالی‌که دارایی واقعی استارت‌آپ‌ها برند، کاربران و ظرفیت نوآوری است.

خطر حذف نوآوری در سایه بورس

یکی از نگرانی‌های جدی فعالان حوزه استارت‌آپ، از بین رفتن نوآوری پس از ورود به بورس است. فشار برای سوددهی کوتاه‌مدت ممکن است مانع سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه شود. سالاری هشدار می‌دهد که این فشارها می‌توانند به قیمت از دست رفتن آینده نوآورانه شرکت‌ها تمام شوند. او بر آموزش سهامداران برای درک اهمیت رشد بلندمدت تأکید می‌کند.

در مقابل، تیموری این نگاه را نمی‌پذیرد و اعتقاد دارد حضور در بازار سرمایه نه تنها نوآوری را محدود نمی‌کند، بلکه زمینه جذب سرمایه و نظم‌دهی به ساختار شرکت‌ها را فراهم می‌آورد.

مزایا و محدودیت‌های حضور در بورس

به گفته سالاری، حضور در بورس می‌تواند دسترسی به سرمایه، ارتقای برند و نقدشوندگی سهام را فراهم کند، اما نباید آن را معادل سودآوری دانست. بسیاری از استارت‌آپ‌ها بدون مدل درآمدی پایدار، حتی پس از ورود به بورس هم با مشکلات جدی مواجه می‌شوند.

از دید تیموری، ورود به بورس راهی است برای کاهش وابستگی به بنیان‌گذاران و ایجاد نظم در فرآیندهای داخلی. با این حال، او تأکید دارد که این مسیر بخشی از یک موضوع بزرگ‌تر به نام حکمرانی اقتصادی کلان است و باید در سطح سیاست‌گذاری‌های ملی دیده شود.

یک راه یا تنها راه؟

کارشناسان متفق‌القولند که بورسی شدن تنها یکی از راه‌های توسعه استارت‌آپ‌هاست و همه شرکت‌ها برای این مسیر مناسب نیستند. سالاری می‌گوید: برای برخی شرکت‌ها، جذب سرمایه جسورانه، همکاری با سرمایه‌گذاران خصوصی یا ادغام با بازیگران بزرگ‌تر گزینه‌های بهتری خواهند بود.

او پیشنهاد می‌دهد که بازارهای تخصصی برای شرکت‌های نوآور ایجاد شود، مقررات ارزش‌گذاری به‌روز شود و ارتباط بخش خصوصی و دولتی برای تقویت زیرساخت‌های دیجیتال گسترش یابد.

تیموری نیز یادآور می‌شود که مشکلات این حوزه تنها در بورس خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در حکمرانی کلان اقتصادی کشور دارد. از نگاه او، تحقق توسعه واقعی نیازمند رویکردی متفاوت و نگاه آینده‌نگر است.

۳ نکته‌ای که سرمایه‌گذاران باید بدانند

درج نام استارت‌آپ‌ها در تابلوی بورس، به باور بسیاری از فعالان این حوزه، نیازمند تغییر رویکرد نهادهای متولی و همراهی جدی بخش خصوصی و دولتی است. با این حال، نباید ورود به بورس را به تنهایی مترادف با موفقیت دانست؛ چرا که بسیاری از استارت‌آپ‌ها هنوز با مشکلاتی همچون ضعف در حاکمیت شرکتی و ساختار مالی مواجه‌اند. همین موضوع می‌تواند روند نوآوری و توسعه آن‌ها را کند یا حتی متوقف کند.

ورود به بازار سرمایه؛ جاده یا مقصد؟

رهیابی استارت‌آپ‌ها به بازار سرمایه، بیش از هر چیز به بلوغ تیم‌ها، تغییر دیدگاه سازمان‌ها و به‌روزرسانی قوانین نیاز دارد. علی تیموری، مدیرعامل هلدینگ کاریزما، در این باره معتقد است که فضای استارت‌آپی امروز نسبت به ۶ تا ۷ سال قبل بسیار بالغ‌تر شده اما برای اتصال به شبکه‌های بزرگ‌تر تأمین مالی، بازنگری اساسی لازم است. از سوی دیگر، مهدی سالاری، مدیرعامل اینوستوران، بورس را «یک جاده و نه مقصد» می‌داند. به گفته او، اگر مدل کسب‌وکار و تیم پایه‌های محکمی نداشته باشند، حتی بهترین جاده نیز کمکی به رشد نخواهد کرد.

کشاکش قواعد سنتی و واقعیت نوآوری

تیموری تأکید دارد که ادبیات و ابزارهای مالی بازار سرمایه با ماهیت پرریسک و غیرقابل پیش‌بینی استارت‌آپ‌ها همخوانی ندارد. در حالی‌که بیش از ۹۰ درصد استارت‌آپ‌ها شکست می‌خورند، بازار سرمایه همچنان بر معیارهای سنتی سودآوری و پافشاری می‌کند. سالاری نیز با اشاره به همین موضوع، ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، نبود تجربه گزارش‌دهی دقیق،